

اخبار فرهنگی

بازیگر پیشکسوت سینما، تئاتر و تلویزیون درگذشت



اسماعیل سلطانیان، بازیگر پیشکسوت سینما، تئاتر و تلویزیون و عضو موسسه هنرمندان پیشکسوت‌درفانی در ۶۹ سالگی را وداع گفت.

مدیرعامل موسسه هنرمندان پیشکسوت با تأیید این خبر، گفت: استاد سلطانیان به دلیل بیماری و ایست قلبی دارفانی را وداع گفت. سیدعباس عظیمی، درگذشت این عضو موسسه هنرمندان پیشکسوت را به خانواده ایشان و اهالی هنر به خصوص هنرمندان پیشکسوت تسلیت گفت. سلطانیان سال ۱۳۳۲ در کرمانشاه متولد شد و فارغ‌التحصیل بازیگری و کارگردانی تئاتر از دانشکده هنرهای دراماتیک بود. فعالیت هنری‌را از سال ۱۳۴۹ با تئاتر به عنوان نویسنده، بازیگر و کارگردان آغاز کرد. فعالیت در سینما را از سال ۱۳۶۴ با بازی در فیلم شکار شکارچی آغاز کرد. در طول جنگ نیز چند تئاتر در جبهه‌ها به روی صحنه برد. از دیگر آثار سلطانیان می‌توان به بازی در سریال پایتخت ۲، یوسف پیامبر، مرد هزارچهره، ستایش و قورباغه اشاره کرد.



ساعت تبریز ایستاد!

ساعت کوکی عمارت شهرداری تبریز که فقط دو نمونه از آن در دنیا وجود دارد از کار ایستاده به گزارش چندتاییه، در سال‌های گذشته نیز مشکل قرار دادی با استاد کوک کننده ساعت باعث خواب رفتن ساعت شده بود که احتمالاً این بار نیز مشکل قرار دادی وجود دارد. این ساعت که قدمتی ۸۷ ساله دارد، دارای تعداد زیادی چرخ دنده، عقربه، و زنه تعادل، کابل و صفحه فلزی است و با صدای زنگ، هر یک ساعت یک بار، گذر زمان را یادآوری می‌کند.



تهیه‌کننده سریال گاندو مشاور وزیر ارشاد شد



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی طی حکمی مجتبی امینی را به عنوان مشاور خود منصوب کرد. مجتبی امینی تهیه‌کننده سریال گاندو بوده است. او سال گذشته هم دبیر جشنواره بین‌المللی فیلم فجر شده بود. گفتنی است امینی در سوابق فرهنگی خود تولید و تهیه چندین فیلم و سریال تلویزیونی را دارد. او پیش از این معاونت فرهنگی سازمان فرهنگ - هنری شهرداری تهران، مدیرعامل موسسه فرهنگی - هنری شهیدآوینی، دبیری سه دوره جشنواره فیلم کوتاه سما، دبیر دو دوره جشنواره چهل چراغ، تهیه‌کننده، مجری طرح و مدیر تولید بیش از ۲۰ فیلم سینمایی نیز بوده است.



راه‌یابی مستند «هما» به جشنواره ملیورن



«هما» ساخته گلاره عباسی، به بخش مستندهای بین‌المللی هشتمین جشنواره فیلم مستند ملیورن راه یافت. به گزارش روابط عمومی پروژه، «هما» عنوان مستندی به کارگردانی گلاره عباسی، تهیه‌کنندگی و رسانی شفیعی و بخش‌کنندگی کمپانی Raft Films است که در اولین حضور خارجی خود به هشتمین جشنواره فیلم مستند ملیورن استراليا راه یافته است. این جشنواره با حمایت از فیلمسازان، به نمایش‌های جهانی و استرالیایی مستندها کمک می‌کند. مستند «هما» روایت زندگی هما همانندی است؛ زنی با اعتماد به نفس که در کمپ ترک اعتیاد کار می‌کند و مشکلات و محدودیت‌هایی که در زندگی دارد مانع از حضورش در عرصه اجتماعی نمی‌شود.



با هدف کتابخوانی؛

«حلقه کتاب» در فرهنگسرای اندیشه آغاز به کار می‌کند



ویژه برنامه «حلقه کتاب» در فرهنگسرای اندیشه برای برگزاری دوره‌های صمیمانه کتابخوانی از چهارشنبه ۲۴ خرداد در فرهنگسرای اندیشه آغاز به کار کرد. به گزارش مهر، ویژه برنامه جدید فرهنگسرای اندیشه با هدف ارتقای کتابخوانی و گسترش فرهنگ مطالعه‌ست نخستین جلسه آن با معرفی، نقد و بررسی کتاب «عادت می‌کنیم» از چهارشنبه ۲۴ خرداد در فرهنگسرای اندیشه برگزار شد. در این حلقه کتاب‌خوانی که هر هفته چهارشنبه‌ها برگزار می‌شود، گروه‌های ۵ تا ۱۰ نفره در فرهنگسرا تشکیل شده و کتابی که قبلاً معرفی شده است را به صورت گروهی می‌خوانند و به نقد و بررسی محتوایی آن می‌پردازند.

محمد حسن خدایی

گرمای خرداد ماه تهران همراه شده با استقبال گرم از بعضی نمایش‌های روی صحنه. البته این استقبال می‌توانست بیش از این باشد اگر قیمت بلیت ارزان تر بود و افراد بیشتری این امکان را می‌یافتند که به همراه خانواده به تماشای اجراها بنشینند. به هر حال وضع تئاتر این روزهایی را تطاب با اقتصاد خرد و کلان کشور نیست و گیشه تحت تأثیر این واقعیت تلخ معیشتی است. بی‌شک هزینه‌های بالای تولید تماشای تئاتر را به امری لوکس و فرادستانه بدل کرده است و در آینده می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری ایجاد کند. اگر تئاتر در خدمت فرادستان جامعه شود و در خدمت سلیقه آنان، دور از ذهن نخواهد بود که گروه‌های اجرایی شعار «حق با مشتری است!» سر دهند و نهاد اجتماعی تئاتر را بیش گیشه‌مدار کنند.

این هفته و بنابر سسنت این چند ماهه روزنامه به چهار نمایش خواهیم پرداخت که به نظر می‌آید چندان عرصه را به بازار تحویل نداده و بارقه‌هایی از امید را در دل مخاطبان پدیدار کرده‌اند.

نمایش اول- خدای جهنم

سپاوش جامع در مقام بازیگر و کارگردان تلاش دارد به فضای هراسناک نویسنده‌ای چون «سم شپارد» وفادار باشد. «خدای جهنم» نمایشنامه‌ای است در رابطه با زندگی انسان معاصر در وضعیت پسامصنعتی جامعه امریکا. اینکه چگونه شرکتهای بزرگ در همکاری با دولت‌ها، پروژه‌های غیر شفاف را پیش می‌برند که می‌تواند سر نوشت و سر گذشت انسان‌های عادی را تا مرز فروپاشی بکشاند. سرزمین امریکا که اینجا به نمایش می‌شود قلمرو مرمضان حومه است. ملال و انزوائی که در زندگی زوج روستایی اهل ویسکانسن جریان یافته، ناگهان با هجوم یک دوست قدیمی که گویا به مواد رادیواکتیو آلوده شده، دگرگون می‌شود. سم شپارد در این نمایشنامه، خدایان یونان باستان را احضار می‌کند تا وضعیت امریکای این روزها گرفتار تروریسم را نشان دهد. اما همه چیز بر مدار فاجعه می‌چرخد و به حد اکثر رساندن نقش دولت‌ها در تسخیر هر چه بیشتر یک جامعه کنترلی.

به لحاظ اجرایی «خدا جهنم» سپاوش جامع گرایش به رئالیسمی کمابیش انتزاعی دارد. طراحی صحنه با رویکرد کمینه‌گرایانه، قرار است فضایی از یاد رفته را نمایان کند. اجرا هر چه به انتها نزدیک می‌شود بخاطر وضعیت اضطراری شخصیت‌ها، فرم مناسب‌تری یافته و جهان هیولاش سم شپارد خلافت‌تر باز نمایی می‌کند. فی‌المثل بازی‌ها با بحرانی شدن مناسبات، ژست‌های به یادماندنی‌تری را به ذهن متبادر

کتاب

دامنهٔ بازارهای موازی کتاب در حال گسترش است

سود اندک صنعت نشر در جیب ناشران کتابساز و کوله‌به‌دوش‌ها

چند صباحی است، بازیگران بازارهای موازی کتاب با کوله‌پشتی و چمدانی پُر از کتاب‌های قاچاق، کسب و کار ناشران سودجو را سکه و ویتربین کتاب‌فروشی‌ها و اقتصاد ناشران قانونی را بی‌رونی می‌کنند.

به گزارش ایبنا، پدیده‌های بازار کتاب کم‌نیست؛ روزگاری با سباز گستری، روزگاری بانمايشگاه‌های خیابانی و ایستگاه‌های مترو، روزگاری در فضای وب؛ اما دامنهٔ بازارهای موازی کتاب، چند صباحی است با شروع فصل گرما توسعه پیدا کرده است. ابزار این بازیگران بازارهای موازی نیز، کوله‌پشتی و چمدان و امکان فعالیتشان، مقاصد گردشگری در مناطق سردسیر کشور است. در سباز این توسعه‌دهندگان بازار نشر، البته کتاب‌هایی از جنس دارایی‌هایی کتاب‌فروشی‌ها نیست! اگر گذران به مناطق خوش آب‌وهوای تهران مثل طالقان، دربند، که دامامزاده داوود یاد را بچاه چیتگر افتاده باشد، دختران و پسران کوله‌به‌دوشی را می‌بینید که کتاب‌ها را نه با ۵۰ درصد تخفیف بلکه گاهی تا ۶۰ تا ۶۵ درصد تخفیف می‌فروشند، این افراد که بخش زیادی از آن‌ها به خوبی با مهارت‌های روان‌شناسی ارتباط بیشتری آشنا هستند، فرایند فروش کتاب را مشابه بازارهای ماهر، مدیریت می‌کنند. این افراد با استفاده از عبارت‌هایی مثل «کتاب بدون سانسور»، «ترجمه اختصاصی»، «تخفیف از سوی ناشر» و «نسخه کمیاب»، به نظر می‌رسد، مز ترغیب بسیاری از مشتریان را می‌دانند و علاوه بر آگاهی از روان‌شناسی ارتباط، با مهارت‌های کتاب‌فروشی هم آشنا هستند.

مناطق بیلاقی در اولویت

طبق اطلاعات و اخبار خبرنگار ایبنا؛ شهرهای بیلاقی مثل همدان، تبریز، ارومیه و اردبیل که این روزها میزبان جمع گسترده‌ای از مردم است، بازار خوبی برای فروشندگان کتاب‌های قاچاق ایجاد کرده است؛ علاوه بر این، ردپای این افراد در خیابان انقلاب، ایستگاه‌های مترو، میدان شهرک غرب، میدان ونک و مجتمع‌های مسکونی منطقه چیتگر نیز دیده می‌شود.

اماد در موضوع پدیده قاچاق کتاب، ۲ جریان موازی برای کسب درآمد در نشر کتاب شکل گرفته است؛ نخست؛ افرادی با عنوان ناشر و به شکل کاملاً قانونی به سراغ چاپ کتاب‌های پُر فروش بازار می‌روند و با تغییر نام مترجم و پیش کردن جمله‌ها، کتاب تولید می‌کنند؛ این ناشران که به کتابسازان معروف هستند؛ با داشتن مجوز نشر، به راحتی از انواع تسهیلات دارندگان پروانه نشر بهره‌مند می‌شوند؛ البته بدون اینکه هزینه‌های جاری یک ناشر حرفه‌ای مثل پرداخت حق مترجم، ویراستار، طراح جلد و... را بپردازند. اما

این روزهای تئاتر تهران چگونه می‌گذرد؟

گیشه تحت تأثیر واقعیت تلخ معیشتی



آدم‌مابین امر عینی و جهان ذهنی، تاریخ معاصر به میانجی سرگذشت دهخدا بار دیگر روایت می‌شود و مسئله‌مند. به دیگر سخن فاتحان و محذوفان تاریخ در کتابخانه ذهنی دهخدا مقابل هم رویت پذیر شده و تقابل آشتی‌ناپذیرشان را به نمایش می‌گذارند. امیرحسین طاهری در مقام نویسنده‌روای ایده‌زوال و شکست ایرانیان نیست و در ترازوی میان فرهنگ و سیاست، اهمیت‌فرهنگ را گوشه‌زده می‌کند. درام تاریخی «کابوس‌های آنکه نمی‌میرد» گذشته را کابوس‌وار و اضطرابی احضار می‌کند تا شاید امکان‌رهایی ورستگاری برای اینجا و اکنون ما فراهم شود. نکته‌ای که گویا همچنان دور از دسترس مایاشد.

نادر فلاح در جایگاه کارگردان نشان داده که بی‌شک اجرای نادر فلاح از نمایشنامه‌امیرحسین طاهری است. روایتی از زندگی علی‌اکبر دهخدا در مواجهه با تلاطمات سیاسی دوران خویش. منطق کابوس‌وار روایت این امکان را مهیا کرده که مدام با تالاقی زمان‌ها و مکان‌ها رو برو شویم. دهخدا به عنوان یک فیگور سیاسی که در اواخر عمر به کنج کتابخانه پناه برده تا به فرهنگ بپردازد گرفتار کابوس‌های مکرر شده و گریزی از پاسخ‌گویی به شخصیت‌های تأثیرگذار زندگی‌اش ندارد. سالن اصلی تئاتر مولوی در این اجرا بدل به جهان سوژکتیو دهخدا شده است. در این رفت و

نمایش «برف شادی» در باب کودکانگی است. در زمانه‌ای که جهان ما، بیش از پیش در جنبه عقلانیت‌انباری قرار گرفته و منطق را قلیت و موفقیت تمامی عرصه‌های زندگی را فتح کرده، این کودکی است که می‌تواند علیه این چرخه باز تولید خشونت‌نمادین مقاومت کند و جهانی دیگر را بشارت دهد بر پایه دوستی و کودکانگی. برف شادی در یکی از کودکان‌های تهران دهه ۳۰ می‌گذرد. روایتی از مراقبت، تربیت و حتی سرکوب کودکان. فضای کودکستان با پرده‌ای به دو قسمت تقسیم شده. یک قسمت مربوط است به کودکان که مشغول بازی و وقت‌گردانی هستند و یک قسمت مربوط است به بروکراسی منتسب به مدیران. نماینده این مدیریت سرکوبگر کارمندی که فقط سایه‌ای از او بر پرده افتاده و مدام دستورات مدیران بالادستی را به مربی بچه‌های مهد کودک دیکته می‌کند. دستوراتی کافکایی که اغلب بی‌سروته و غیرقابل اجرا هستند. مربی کودکستان وضعیت پیچیده‌ای دارد. او میانجی کودکان با مدیران بالادستی است. گاهی در مقابل دستورات بی‌منطق مدیران مقاومت می‌کند و گاهی منفعل و سهیل انگار به رقابت‌ها و رقابت‌های کودکانه

نمایش سوم- برف شادی

خیره می‌شود. رضا حسین‌زاده در جایگاه کارگردان به خوبی توانسته با گروه جوان، یکدل و هومره خویش، یک فضای پرتنش و تماشایی کودکانه را خلق کند. بازیگران این نمایش با آنکه در آستانه جوانی هستند اما کودکی را نه تقلید که خلافت‌انه به اجرا می‌گذارند. با لباس‌هایی مملو از رنگ‌های شاد در تلاش برای زندگی کردن کودکی.

نمایش چهارم- این جاپنجره‌ای باز مانده است

همکاری نداشهرخی و یاسمن خواجه‌ای را می‌توان نوعی مقاله-اجرافرض گرفت. روایتی از نسبت آدم‌ها با چشم‌انداز پنجره‌ها در محله‌های مختلف تهران؛ از مولوی تاشهرک غرب. اما این نسبت آدم‌ها با انشیا مدام با نسبتی دیگر این بار انسان با انسان، از نور تبندی می‌شود. نسبتی که رابطه عاطفی سعید و هنگامه را در مدت یک دهه می‌کاود. سعید که نقش او را مرتضی یونسزاده بازی می‌کند، در قالب یک سخنرانی، زیست‌شهری مردمان تهران با پنجره‌ها را بررسی می‌کند. گفتار نظرو روانه سعید از طریق روایت روزمره شخصیت هنگامه به چالش کشیده می‌شود. هنگامه در آستانه ۳۹ سالگی، با مرور گذشته، از حق مادر شدن می‌پرسد و تجربه مادرانگی را طرح می‌کند. در این سیر و سلوک عاشقانه که با منطق الطیر عطار رنگ و بوی عارفانه به خود می‌گیرد، هنگامه با غیاب سعید، به خودآگاهی رسیده و تماشاگران را به مشارکت در نمایشگاهی که در حال خلق آن است دعوت می‌کند.

ندا شاهرخی و یاسمن خواجه‌ای در مقام نویسنده و کارگردان، از منطق باز نمایی فاصله گرفته و تلاش دارند یک فضای تجسمی را خلق کنند. به دیگر سخن با اجرایی مواجه هستیم که خود را به تدریج از طریق نشانه‌های بصری نمایان کرده و گسترش می‌دهد. سعید چنگیزیان در نقش هنگامه، بیش از آنکه نقش یک زن را با تمام استلزامات آن بازی کند تلاش دارد به مفهوم «زنانگی» نزدیک شود. انتخاب چنگیزیان در نقش هنگامه، نوعی بازیگوشی و حتی تامل انتقادی در رابطه با حضور بدن زنانه در تئاتر ایران امروز است. اما چنگیزیان با مهارت از این چالش بزرگ عبور می‌کند. چه آن زمان که با سعید مشغول بازی پینک‌پونگ می‌شود و چه آن زمان که دیوانه‌وار قص‌سماع می‌کند و بدن یک مرد رامیانجی حضور غایب یک بدن زنانه می‌کند. اجرای «این جاپنجره‌ای باز مانده است» به لحاظ فرمال، پیشنهادهای تازه‌ای برای تئاتر ایران دارد. به هر حال بعد از رخداد‌های پاییز گذشته، نهاد اجتماعی تئاتر می‌بایست به فرم‌های تازه‌وار دیکال‌تر فکر کند. چرا که بادهای تغییر وز بدن گرفته است و پنجره‌ها در حال بسته شدن است.



نگهداری می‌کردند، اما بعد از کشف انبارهای کتاب، همچنین افزایش قیمت کاغذ و هزینه‌های چاپی، روش آن‌ها تغییر کرده است و به شیوه POD کتاب تولید می‌شود؛ یعنی چاپ بر اساس تقاضا؛ با این کار دیگر هزینه انبارداری نمی‌دهند؛ بنابراین چاپک‌تر عمل می‌کنند.

غمگسار دامه‌داد: برخی از این گروه‌ها زنجیرهای در برخی چاپخانه‌های تهران، اطراف تهران و شهرستان‌های مختلف کتاب چاپ می‌کنند. تمرکز آن‌ها بیشتر بر آثار است که مجوز انتشار ندارند، به نوعی ممنوعه هستند و از هر کتاب هم در نهایت ۱۰ نسخه چاپ می‌کنند. وی با بیان اینکه فعالیت دوباره کار گروه صیانت به اراده آهنین و بودجه‌نیاز دارد، گفت: پیگیری‌ها به نوعی رها و موجب از بین رفتن انگیزه همکاران شده است. زمانی که بر خورد با این گروه‌ها استمرار داشته باشد، سودجویان به مرور عقب‌نشینی می‌کنند، به یاد دارم از یک ساختمان در خیابان کلهر، ۱۵۰ نیشان کتاب قاچاق کشف شد که در دو طبقه از این مکان کتاب انبار کرده بود؛ البته این مسائل الان کم‌رنگ شده و به شدت گذشته نیست.

غمگسار با اشاره به حضور قاچاقچیان کتاب در شهرهای توریستی، عنوان کرد: این گروه هر چند وقت یکبار سیاست و رویکرد خود را تغییر می‌دهند، گاهی شهرهای گرمسیری، گاهی سردسیری، گاهی میدان انقلاب، گاهی میدان‌های پرت‌ترد شهر، برای آن‌ها مهم فروش کتاب‌هایشان است.

اینکه درآمد ناشران کتابساز از دست‌رنج دختران و پسران کوله‌به‌دوش که به نظر می‌رسد برنامه منظمی برای توسعه بازار تابستانی این کتاب‌ها در یافت کرده‌اند، چقدر است؛ قطعاً به‌ای به گردش اقتصادی کتاب‌فروشان و ناشران قانونی محسوب می‌شود؛ بنابراین به نظر می‌رسد، تعامل چندجانبه ناشران و کتاب‌فروشان تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نیروی انتظامی را بار دیگر باید شکل بگیرد تا مستمر فعالیت این گروه از شبه‌ناشران را پیگیری کنند و با اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه مانع فعالیت این افراد سودجو از سوداندک سفره صنعت نشر شوند.

